**واكاوي برخي فوايد به‏كارگيري محتواي ادبي در آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان**

**مهدي خداداديان[[1]](#footnote-1)**

**چكيده**

لذت بردن فراگيران از فرايند يادگيري زبان، فراهم آوردن بستر رشد زباني آنان، و آشنايي‏شان با فرهنگ زبان مقصد از جمله فوايدي است كه در برخي پژوهش‏ها براي به‏كارگيري متون ادبي در آموزش زبان‏ها به‏طور عام، و آموزش زبان فارسي به‏طور ويژه برشمرده شده است. در راستاي بررسي اين مهم، در پژوهش حاضر به شيوه‏اي پيمايشي از طريق پرسش‏نامه‏اي محقق‏ساخته، دربردارنده‏ي سه شاخص به بررسي نظرات 94 تن از مدرسان ایرانیِ با سابقه‏ی تدریس در حوزه‏ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏زبانان که با ادبیات فارسی نیز آشنایی دارند، درباره‏ي سه فايده‏ي بهره‏گيري از متون ادبي شامل لذت‏بخشي، رشد زباني و آشنايي فرهنگي در آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان بزرگسال پرداخته شده است. نتايج به‏دست‏آمده نشان مي‏دهد كه بيشترين ميزان توافق جمعيت نمونه‏ي پژوهش در دو شاخص لذت‏بخشي و آشنايي فرهنگي آموزش زبان از طريق متون ادبي نمود يافته است. بعلاوه اين جمعيت بر سر كارآمدي رشد زباني به عنوان يكي از فوايد به‏كارگيري محتواي ادبي در آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان نيز توافق دارند كه اين نتایج كاملاً با نتايج ساير پژوهش‏هاي اين حوزه همسو است و بر اين مبنا مي‏توان متناسب با سطح زباني فارسي‏آموزان، از متون ادبي برخوردار از درجاتي از عنصر ادبيت، متون ادبي مشتمل بر واژگان و ساختارهاي دستوري همسو با برنامه‏ي درسي آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان، و متون ادبي دربردارنده‏ي جنبه‏هاي فرهنگي ايران بهره جست.

**كليدواژه‏ها:** آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان، محتواي ادبي، لذت‏بخشي، رشد زباني، آشنايي فرهنگي

**1- مقدمه**

جريان آموزش زبان از طريق متون ادبي از نخستين رويكردها و روش‏ها تا كنون فراز و نشيب‏هاي بسياري را تجربه كرده است؛ بدين ترتيب كه به دليل همخواني با اصول و قواعد برخي شيوه‏ها و رويكردها همچون شيوه‏ي دستور- ترجمه مورد اقبال متوليان امر آموزش زبان واقع شده و برعكس، در برخي شيوه‏ها و رويكردها همچون رويكرد ساختگرا به دليل ناهمخواني با اصول اين رويكرد، كم‏رنگ‏تر شده است. فارغ از تاثيرپذيري اين جريان از روش‏ها و رويكردهاي آموزش زبان، پژوهش‏هاي قابل‏توجهي در اين حوزه در زبان‏هاي مختلف و از جمله فارسي صورت پذيرفته كه علاوه بر آسيب‏شناسي جريان آموزش زبان از طریق متون ادبی، فوايد و مزاياي چشمگيري را براي آن برشمرده است که این فواید، نتیجه‏ی اشتمال متون ادبی بر ویژگی‏های فرهنگی زبان مقصد، ایجاد فضای عاطفی، برخورداري از اصالت، تفسیرپذیری، لذت‏بخشی، رشد دانش زبانی (اعم از واژگانی و دستوری) و... است. در این پژوهش نیز سعی بر آن است تا با نظرخواهی از مدرسان حوزه‏ی آموزش زبان و ادبیات فارسی به غیرفارسی‏زبانان، سه فایده از فواید مذکور، یعنی لذت‏بخشی متون ادبی فارسی در جریان یادگیری این زبان، رشد زبانی فارسی‏آموزان در جریان به‏کارگیری متون ادبی در آموزش فارسی، و آشنایی آنان با فرهنگ ایرانی مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین، پرسش‏هایی که این پژوهش در صدد پاسخ‏گویی بدان‏هاست، عبارت‏اند از:

1- مدرسان باتجربه‏ي حوزه‏ي آموزش زبان و ادبيات فارسي به غيرفارسي‏زبانان در مورد لذت‏بخشي فرايند يادگيري زبان فارسي از طريق محتواي ادبي چه ديدگاهي دارند؟

2- مدرسان باتجربه‏ي حوزه‏ي آموزش زبان و ادبيات فارسي به غيرفارسي‏زبانان در مورد تاثير آموزش زبان فارسي از طريق محتواي ادبي بر رشد زباني فارسي‏آموزان چه ديدگاهي دارند؟

3- مدرسان باتجربه‏ي حوزه‏ي آموزش زبان و ادبيات فارسي به غيرفارسي‏زبانان در مورد تاثير آموزش زبان فارسي از طريق محتواي ادبي بر آشنايي فارسي‏آموزان با فرهنگ ايراني چه ديدگاهي دارند؟

در راستاي دست‏يابي به پاسخ پرسش‏هاي پژوهش، نخست پرسش‏نامه‏اي محقق‏ساخته با استفاده از طیف 5 گزینه‏ای لیکرت و برمبنای مقیاس توافق، دربردارنده‏ي سه گويه‏ي مبتني بر سه فايده‏ي لذت بردن فراگيران از فرايند يادگيري زبان فارسي، فراهم آوردن بستر رشد زباني آنان، و آشنايي‏شان با فرهنگ ايراني تهيه شد. به‏منظور بررسی روایی پرسش‏نامه از دو روش روايي صوري و روایی سازه استفاده شد. سپس پرسش‏نامه به روش غیرتصادفی دسترس‏پذیر و هدفدار در اختيار جامعه‏ي آماري پژوهش شامل مدرسان ایرانیِ با سابقه‏ی تدریس در حوزه‏ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏زبانان که با مقولات ادبیات فارسی نیز آشنایی داشته، از سابقه‏ي تدريس در مراكز آموزش زبان فارسي داخل و خارج كشور، و نيز به صورت خصوصي برخوردار بودند، قرار گرفت. به‏منظور بررسی پایایی آن، ابتدا يك نمونه‏ي اوليه‏ي پرسش‏نامه‏ي تكميل‏شده در قالب پيش‏آزمون مورد بررسي قرار گرفت و پس از اثبات پایایی قابل‏قبول پرسش‏نامه، داده‏هاي به دست آمده، براي پاسخ‏گويي به پرسش‏هاي پژوهش مورد بررسي قرار گرفت.

**2- مباني نظري**

با توجه به اينكه پرسش‏نامه‏ي طراحي‏شده در اين پژوهش به نظرخواهي از جمعيت نمونه در مورد نقش سه شاخص التذاذ، رشد زباني، و آشنايي فرهنگي فارسي‏آموزان در آموزش زبان فارسي از طريق متون ادبي پرداخته، در اين بخش هر يك از گويه‏هاي مذكور مورد بررسي قرار خواهد گرفت.

**2-1- لذت‏بخشي**

يكي از اصلي‏ترين كاركردهاي ادبيات، ايجاد لذت در مخاطب است؛ چراكه متون ادبي از درجاتي از عنصر ادبيت[[2]](#footnote-2) برخوردارند كه وجود اين عنصر، اين دسته از متون را از زبان خودكار متمايز مي‏كند. اين عنصر همان است كه در مطالعات ادبي صورتگرايان منجر به خلق اصطلاح برجسته‏سازي[[3]](#footnote-3)، به مفهوم بکارگیری عناصر زبان به شيوه‏اي غیرمتعارف شده كه خود در دو قالب هنجارگریزی يا قاعده‏كاهي (انحراف از زبان خودكار) و قاعده‏افزایی (افزودن قواعدي بر قواعد زبان خودكار) نمود مي‏يابد (صفوی، 1380: 34-40). در واقع زبان در محدوده‏ی یک نظام، یعنی صرفاً نظام زبان با جهان هستی تلاقي پيدا مي‏كند و صورت بازسازی شده‏ی چنين نظامي، دستور زبان است، و همين امر زبان را به ابزاري در خدمت دانش تبديل كرده، در حالي كه ادبیات در محدوده‏ی دو نظامِ زبان و ادبیات با جهان هستي برخورد مي‏كند و شکل بازسازی‏شده‏ی اين نظام، فنون ادبی (عروض، قافیه، بدیع، معانی، بیان و...) است و بر همين مبنا، مي‏توان ادبيات را ابزاری در خدمت آفرینشگری دانست (حق‏شناس، 1370: 13-15). به عبارت ديگر، ادبیات، بکارگیری زبان در قالب متعالی و هنری آن، يا رویدادی هنری است که در زبان رخ می‎دهد و درجه‏ی هنری بودن این رویداد، میزان لذت مخاطب را از این اثر هنری تعیین می‏كند (پورالخاص و همكاران، 1398).

لذت‏بخشي متون ادبي، حوزه‏ي آموزش زبان را نيز تحت تاثير قرار داده؛ به گونه‏اي كه متوليان اين حوزه را نيز بر آن داشته به‏منظور لذت بردن فراگيران از فرايند يادگيري زبان، متون ادبي را به عنوان مواد درسي وارد حوزه‏ي آموزش زبان كنند. به عنوان نمونه‏هايي از اظهارات موافقان اين ديدگاه، آر ادبيات را منبعي لذت‏بخش[[4]](#footnote-4) براي يادگيري زبان معرفي كرده، اشتمال بر اين ويژگي را در زمره‏ي فوايد ادبیات به عنوان منبع آموزش زبان قلمداد كرده است (آر، 1996: 201). لازار شوق‏انگيزي را از جمله دلایل استفاده از ادبیات در آموزش زبان، و نتیجه‏ی احساس موفقیت فراگیران با خواندن ادبیات، امکان مقایسه‏ی آنان میان ادبیات زبان مقصد با ادبیات کشور خود، بیم‏زدگی و امیدواری فراگیران بر اثر تعلیق موجود در رمان‏ها و داستان‏ها و بروز عواطف آنان مي‏داند (لازار، 1380: 32 و 33). چلیکندی متون ادبی را از این حیث که برای اهداف آموزشی خلق نشده، بلکه برای ایجاد لذت در مخاطب آفریده شده، در زمره‎ی متون اصیل برشمرده و معتقد است این‏گونه متون می‏توانند در فراگیران ایجاد انگیزه كرده، نیازهای آنان را در حوزه‎ی زبان‏آموزی برآورده كنند (چلیکندی، 2015). هیروِلا بر این باور است که متون ادبی می‏تواند در خوانندگان ایجاد اشتیاق کند و در مقایسه با متون آموزشی متعارفی که صرفاً اطلاعات‏محور[[5]](#footnote-5) هستند و زبان‏آموزان را به موجوداتی منفعل تبدیل می‏کنند، آنان را تشویق می‏کند تا به شخصیت‏هایي که برایشان جذّابند، واکنش نشان داده، بر این مبنا آنان را به فعالیت وا می‏دارد (هیرولا، 2001: 117؛ نقل از تسنین، 2010) و فرخنده‏كلات و همكاران بر آنند كه ادبيات، به‏ويژه ادبيات كودكان، به دليل داشتن ويژگي لذت‏بخشي و سرگرم‏كنندگي، در زبان‏آموزان ايجاد لذت و آرامش مي‏كند و تا حد زيادي از اضطراب و فشار رواني ناشي از يادگيري زبان مي‏كاهد (فرخنده‏كلات و همكاران، 1393).

**2-2- رشد زباني**

از ديگر مزاياي استفاده از متون ادبي در آموزش زبان‏ها، چنانكه در مطالعات اين حوزه نيز ملاحظه خواهد شد، فراهم آوردن بستر رشد زباني فراگيران است. دلایلی که پژوهشگران حوزه‏ی آموزش زبان در فواید ادبیات به عنوان منبع آموزش زبان ارائه می‏کنند، در سه دسته‏ی زبانی[[6]](#footnote-6)، روش‏شناختی[[7]](#footnote-7) و انگیزشی[[8]](#footnote-8) مورد بررسی قرار مي‏گيرد كه فوايد زبانی به‏كارگيري ادبيات در آموزش زبان بيشتر به قرار گرفتن زبان‏آموزان در معرض کاربرد واقعی و اصیل متون ادبی، و آشناسازي آنان با انواع سبك‏ها و مواد آموزشي زبان در سطوح مختلف دشواري باز مي‏گردد (تسنین، 2010).

ادبیات با وجود اینکه در گونه‏هایی همچون شعر، قواعد متداول نحوی، همنشینی و انسجام را به هم می‏ریزد و این امر موجبات نگرانی مدرّسان را فراهم آورده، آگاهی از تفاوت این گونه‏های غیرمتداول زبان می‏تواند زبان‏آموزان را به اندیشیدن در خصوص هنجارهای کاربرد زبان وا دارد و به عبارت دیگر، بهره‏گیری از ادبیات در آموزش زبان، فراگیران را نسبت به برخی ویژگی‏های کلی زبان حساس‏تر می‏کند (لازار، 1380: 37-39). علاوه بر اين، بر خلاف متون ارجاعي كه به‏وفور در كتاب‏هاي درسي زبان خارجي يافت مي‏شوند، متون ادبي اين پتانسيل معنايي را دارند كه خواننده به‏راحتي مي‏تواند با آنها تعامل ايجاد كند (والاس، 1992: 39؛ نقل از داسكالوفسكا و ديموا، 2012) و اين امر از اين نظر حائز اهميت است كه توسعه‏ي زباني فراگيران، نتيجه‏ي تعامل مستقيم آنها با متون، و رهايي آنان از وابستگي منفعلانه به درونداد مدرسان است (داسكالوفسكا و ديموا، 2012).

اوسالیوان هدف اصلی کاربرد ادبیات در کلاس زبان را توسعه‏ی زبان می‏داند و بر این باور است که زبان باید دغدغه‏ی اصلی هر برنامه‏ی درسی مبتنی بر مفهوم ادبیات باشد (اوسالیوان، 1991). شمس‏الرب‏خان و الاثماری معتقدند که متون ادبی از این حیث که به رشد دانش زبانی[[9]](#footnote-9) و مهارت‏های زبانی[[10]](#footnote-10) زبان‏آموزان می‏انجامد، نقش مهمی در یادگیری زبان انگلیسی ایفا می‏كند (شمس‏الرب‏خان و الاثماری، 2018). مکی يكي از مزاياي اصلی بکارگیری ادبیات در آموزش زبان را پرورش مهارت خوانداری زبان‏آموزان قلمداد مي‏كند (مکی، 1982). آر نيز اشتمال ادبیات بر نمونه‏هایی از سبک‏های متفاوت نوشتاری و انواع کاربردهای اصیل زبان، افزايش قدرت واژگان، و تقويت انواع مهارت‏هاي خوانداري در زبان‏آموزان را به عنوان برخی از فواید ادبیات به عنوان منبع آموزش زبان معرفی می‏کند (آر، 1996: 201). دیمیتروا ژوزلوا بر این باور است که امروزه متون حوزه‏ی هنر کلامی[[11]](#footnote-11)، همچون سایر نمونه‏های زبان اصیل، جایگاه خود را در آموزش زبان خارجی پیدا کرده‏، دانش واژگانی و ساختارهای دستوری زبان مقصدِ فراگيران را آگاهانه[[12]](#footnote-12) و ناخودآگاه[[13]](#footnote-13) افزایش داده، مهارت‏های زبانی آنان را بالا مي‏برند (دیمیتروا ژوزلوا، 2015) و عامر بر آن است که استفاده از ادبیات در کلاس‏های آموزش زبان دوم با رشد فزاینده‏ای روبرو شده است. به عقیده‏ی وی، ورود ادبیات به حوزه‏ی آموزش زبان دوم می‏تواند به ایجاد یک محیط یادگیری زبانی قابل درک و عاطفی منجر شود (عامر، 2012). بعلاوه، متون ادبی برای زبان‏آموزان این فرصت را فراهم می‏کند که بتوانند کلمات را در بافت‏های متفاوت به کار گیرند، و مباحث و مضامین ادبیات، به واسطه‏ی اینکه بخشی از تجربه‏ی بشر را به تصویر می‏کشند و روش‏های ارائه‏ی جذابی دارند، ذاتاً جالب هستند (کشاورز، 2012).

هرچند تاثیر استفاده از ادبیات در سطوح متوسّطه به بالا بیشتر است، لازار راهکارهایی را پیشنهاد داده که بکارگیری ادبیات برای سطوح پایین‏تر نیز تاثیرگذار باشد. به عنوان نمونه می‏توان به کاربرد شعر در آموزش زبان‏آموزان سطوح پایین به منظور یاددهی واژه‏ها و معرفی نقش جدید آنها، تقویت تمرین شفاهی و نوشتاری از طریق درگیر ساختن زبان‏آموزان با اشعار ساده و مبتنی بر روایت، جلب توجه زبان‏آموزان به قواعد دستوری، و آشنایی آنان با گونه‏های کاربردی غیراستاندارد زبان اشاره کرد (لازار، 1380: 158-169). وی همچنین بر این باور است که این امر (بکارگیری ادبیات برای فراگیران سطوح پایین) در مورد نمایشنامه نیز صادق است. بدین ترتیب که بهره‏گیری از این نوع می‏تواند به رشد مهارت نگارش و مکالمه‏ی زبان‏آموزان سطوح پایین بیانجامد (همان: 218-223).

مزيت «رشد زباني» در به‏كارگيري متون ادبي در آموزش زبان در مورد ادبيات كودك نيز صادق است. به عنوان نمونه، فرخنده‏كلات و همكاران ادبيات كودك را منبع مناسبي براي آموزش ساخت‎هاي نحوي به كودكان فارسي‏آموز قلمداد مي‏كنند و معتقدند كه با نگاهي اجمالي به آثار ادبي كودكان در زبان فارسي مي‏توان نمونه‏هاي مناسبي براي آموزش هر يك از ساخت‏هاي نحوي همچون امري، التزامي و... پيدا كرد (فرخنده‏كلات و همكاران، 1393). بعلاوه، تكرار ساختارها، مفاهيم و واژه‏ها در ادبيات كودك به يادگيري زبان كمك مي‏كند و مي‏توان از اين مواد براي خواندن و گوش كردن گسترده نيز بهره جست (فرجامي، 1395).

البته معايبي نيز براي استفاده از ادبيات در آموزش زبان ذكر شده كه به‏طورمستقيم، رشد زباني زبان‏آموزان را هدف گرفته است. به عنوان نمونه، اوسالیوان دشواری واژگان متون ادبی را یکی از بزرگ‏ترین دلایلی قلمداد مي‏كند که می‏تواند استفاده از ادبیات در کلاس آموزش زبان را به چالش بکشد (اوسالیوان، 1991) و بر اساس نتایج پژوهش تسنین، 88 درصد از مدرسان بر این باورند که سطح زبانی دشوار می‏تواند به مانعی برای یادگیری فراگیران تبدیل شود (تسنین، 2010). خطیب و همکاران نيز اشکالاتی را از سوی منتقدان به فرایند آموزش زبان انگلیسی از طریق ادبیات مطرح می‏كنند که پيچيدگي زباني و انحراف از هنجارهاي زبان معيار (به‏ويژه در اشعار قديمي)، عدم كاربرد واژه‏هاي متون ادبي قديمي در انگليسي امروزي، انحراف متون ادبي از هنجارهاي نظام آواشناختي و واج‏شناختي، و تغييرشمول معنايي برخي واژه‏هاي اين متون از آن جمله‏اند (خطیب و همکاران، 2011). نتایج پژوهش ابوختّاله در مدارس دوزبانه‏ی متوسطه‎ی لیبی نیز، بیانگر مشکلاتی همچون دشواری ساختاري پاره‏ای از متون ادبی، و نامانوس بودن واژه‏ها و ساختارهای دستوری برخی از اين متون است (ابوختّاله، 2014).

**2-3- آشنايي فرهنگي**

يكي از مهم‏ترين كاركردهاي متون ادبي در آموزش زبان‏ها، كاركرد فرهنگي اين دسته از متون است كه آشنايي فراگيران را با فرهنگ جامعه‏ي زباني مقصد رقم مي‏زند؛ چراكه به واسطه‏ی قرار گرفتن در معرض متون ادبی، زبان‏آموزان بافت‏های اجتماعی و تاریخی رویدادها را درک کرده، از این راه با فرهنگ زبان مقصد آشنا می‏شوند (کشاورز، 2012). در واقع، ادبيات هر ملتي منبع ارزنده‏اي از ارزش‏ها و پديده‏هاي فرهنگي جهان است و انتخاب آن به عنوان مواد آموزشي مي‏تواند فرايند زبان‏آموزي را جذاب، قابل‏فهم و قابل‏پذيرش كند (فرخنده‏كلات و همكاران، 1393). ادبیات غالباً در ارتباط با اطلاعات اجتماعی- فرهنگی[[14]](#footnote-14) زبان خارجی همانند یک وسیله‏ی نقلیه عمل می‏کند؛ بدین‏معنا که با بالا بردن آگاهی زبان‏آموزان از تفاوت‏های فرهنگی و اجتماعی، آنان را یاری می‏دهد تا این تفاوت‏ها را درک کرده، بپذیرند، و بدین‏ترتیب، فرایند گسترش توانش ارتباط بین‏فرهنگی آنان را تسهیل می‏كند (دیمیتروا ژوزلوا، 2015). ادبیات همچنين می‏تواند به رشد مهارت‏های تفکّر انتقادی[[15]](#footnote-15) فراگیران زبان دوم منجر شود؛ به گونه‏ای که بتوانند شباهت‏های فرهنگی را درک کنند و تفاوت‏های میان فرهنگ خودی و بیگانه را تحمّل کرده، به این باور دست یابند که هیچ‏کس به تنهایی راه درست تفکّر را نمی‎داند و هیچ جامعه‏ای نمی‏تواند مدّعی شود برای تمام مجهولات، پاسخ درستی دارد، و این‏گونه است که چشم‏انداز[[16]](#footnote-16) فرهنگی سایر جوامع، بینش ما از دنیایمان را شکل می‏دهد (باتلِر، 2006؛ و لِهی و لو، 1997: 222؛ نقل از عامر، 2012) و زبان‏آموزان به واسطه‏ی بکارگیری بافت‏های غنی و اصیلی[[17]](#footnote-17) که ارزش‏ها و سنت‏های فرهنگی آنان را در تقابل با سایر فرهنگ‏ها قرار می‏دهد، با مفاهیم آشنا می‏شوند، مشکلات زندگی واقعی را می‏شناسند، علت‏ها و راهکارها را کشف می‏کنند، ارزش‏ها و سبک‏های زندگی خود را با ارزش‏ها وسبک‏های زندگی سایر فرهنگ‏ها مقایسه می‏کنند، به دوری از نژادپرستی[[18]](#footnote-18) تشویق می‏شوند و توانش بین‏فرهنگیِ[[19]](#footnote-19) آنان افزایش می‏یابد (عامر، 2012).

کشاورز بر این باور است که ادبیات دانش فرهنگی و جامعه‏شناختی زبان‏آموزان را که به راحتی از سایر منابع به دست نمی‏آید، بالا می‏برد و بستر و منابع خوبی را برای بروز و ظهور فعالیت‎های فرهنگی فراهم می‏آورد. به اعتقاد وی، یک داستان انگلیسی خوب، فقط زبان‏آموزان را از روند شکل‏گیری و سیر یک رویداد آگاه نمی‏سازد، بلکه آنها را به بینشی از جامعه و فرهنگ انگلیسی رهنمون می‏شود. از دیگر سو، عرضه‏ی متون ادبی به زبان‏آموزان آنان را قادر می‏سازد بتوانند فرهنگ دیگران را در ارتباطات بین‏المللی خود لحاظ کنند؛ از این رو وی پیشنهاد می‏کند برنامه‏ی درسی فراگیران به گونه‏ای طراحی شود که متون ادبی در آموزش زبان گنجانده شود (کشاورز، 2012). آذری نجف‎آباد بزرگ‏ترین فایده‏ی مطالعه‏ی متون ادبی در فرایند زبان‏آموزی را افزایش ذوق ادبی زبان‏آموزان و نفوذ عمیق‏تر آنان در فرهنگ کشور زبان مقصد تلقی می‏كند (آذری نجف‎آباد، 1362) و خطیب و همکاران افزایش آگاهی فرهنگی و میان‏فرهنگی زبان‏آموزان را از جمله مزاياي بهره‏گيري از ادبيات در آموزش زبان قلمداد مي‏كنند (خطیب و همکاران، 2011).

غنای ادبیات از منظر جامعه‏شناسی زبان[[20]](#footnote-20) از دیگر دلایلی است که بکارگیری ادبیات در آموزش و یادگیری زبان را توجیه می‏كند؛ چراکه از یک سو ویژگی‏های زبانی طبقات اجتماعی و نواحی جغرافیای فرهنگی در ادبیات بازتاب می‏یابد و از دیگر سو شاهد تفاوت گفتار مردم در موقعیت‏ها، مناسبت‏ها و اماکن مختلف (رسمی، غیررسمی، محاوره‏ای و...) در ادبیات هستیم (عامر، 2012).

در ميان اظهارات صاحب‏نظران حوزه‏ي آموزش زبان از طريق ادبيات، شبهاتي نيز در مورد فوايد فرهنگي متون ادبي به‏كارگرفته‏شده در آموزش زبان مطرح شده كه گزاره‏ی لازار از آن جمله است. وی بر این باور است که ادبیات دسترسی فراگیران را به فرهنگ مردم زبان مقصد فراهم می‏آورد، ولی این نکته بسیار پیچیده است و نمی‏توان به سادگی در مورد رابطه‏ی میان ادبیات و فرهنگ اظهارنظر کرد؛ چراکه از یک سو تعداد اندکی از رمان‏ها و اشعار، مبتنی بر وقایع جامعه‏اند (وقایع جامعه را بازمی‏نمایند)، و از ديگرسو، این موضوع که یک اثر ادبی تا چه اندازه فرهنگ جامعه‏ی مقصد را بازتاب می‏دهد، موضوعی است که با تعریف ما از فرهنگ مشخص می‏شود و بر این مبناست که می‏توان در مورد کلیّت یک جامعه یا شمایی ناقص از آن در اثر ادبی اظهار نظر کرد. علاوه بر اینها، در آموزش برخی زبان‏ها همچون انگلیسی ممکن است بهره‏گیری از ادبیات، به تحصیل ارزش‏های امپریالیستی خاصی بیانجامد. در عین حال می‏توان مدّعی شد که ادبیات می‏تواند فراگیران را نسبت به رویدادهای اجتماعی، سیاسی و تاریخی خاص وابسته با اثر ادبی آگاه سازد و با رفتار اعضای جامعه‏ی مقصد در شرایط خاص آشنا سازد. بر این مبنا وی معتقد است باید همواره به جنبه‏ی فرهنگی ادبیات نقّادانه نگریست (لازار، 1380: 33-36).

**3- پيشينه‏ي پژوهش**

هرچند پژوهش‏هايي در موضوع پژوهش حاضر در زبان‏هاي مختلف صورت گرفته، با توجه به اينكه اين پژوهش در مورد مزاياي بهره‏گيري از متون ادبي در آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان است، در اين بخش صرفاً به پيشينه‏هاي مرتبط با اين زبان پرداخته خواهد شد.

نتايج پژوهش ميردهقان و طاهرلو نقش مهم پيش‏زمينه‏ي فرهنگي را در يادگيري زبان مورد تاكيد قرار مي‏دهد به باور آن دو، پيش‏زمينه‏ي فرهنگي مي‏تواند به بروز نگرش‏هاي مثبت يا منفي درباره‏ي زبان مقصد منجر شود (ميردهقان و طاهرلو، 1390).

فرخنده‏كلات و همكاران در پژوهش خود اين‏گونه گزارش مي‏دهند كه بهره‏گيري از ادبيات به طور عام، و ادبيات كودك به طور خاص مي‏تواند به عنوان يك منبع اصيل، ظرفيت‏هايي همچون فرهنگ‏پذيري، گرفتن انگيزه، كاهش اضطراب، و آشنايي با پديده‏ها و ارزش‏هاي فرهنگي در زبان‏آموزان ايجاد كند و به منبعي براي آموزش ساخت‏هاي نحوي، انتقال فرهنگ فارسي‏زبانان و آموزش ويژگي‏هاي كاربردشناختي فارسي به كودكان غيرفارسي‏زبان تبديل شود (فرخنده‏كلات و همكاران، 1393).

عشقوی در بررسی خود به این نتیجه دست يافته که با بهره‏گیری از شعر در آموزش زبان فارسی می‏توان به سه هدفِ تحریک زبان‏آموزان به بحث و گفتگو در مورد موضوع و محتوای آن، التذاذ هنری، و درک نکات فرهنگی موجود در آن دست یافت (عشقوي، 1390).

شاهرخی شهرکی در پژوهش خود به روند استفاده از ادبیات در روش‏های مختلف آموزش زبان پرداخته، با بررسی مروریِ مقالات منتشر شده در حوزه‏ی استفاده از ادبیات در آموزش زبان دوم/ خارجی، نظرات موافق و مخالف این حوزه را بازتاب داده است. وی پرورش قدرت تفکر انتقادی، افزایش انگیزه‏ی زبان‏آموزان، ارتقای مهارت‏های چهارگانه‏ی زبانی، افزایش دانش کاربردشناختی و زبان‏شناختی زبان‏آموزان، و گسترش دامنه‎ی لغات زبان‏آموزان را از مهم‏ترین دستاوردهای استفاده از ادبیات در آموزش زبان به خارجیان برشمرده و در پایان، کاراییِ مدل‏های پیشنهادیِ بکارگیری ادبیات در متون آموزشی را در زبان فارسی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است (شاهرخی شهرکی، 1397).

پژوهش غضنفري‏مقدم و همكاران به منظور بررسي نقش عناصر موسیقایی شاهنامه در محتوای آموزشی فارسي‌آموزان غيرايراني حاكي از آن است كه فرایند مداخله در آموزش با تکیه بر عناصر موسیقایی متن، تأثیر معناداری در افزایش میزان یادگیری واژگان و درک مطلب فارسي‏آموزان دارد (غضنفری‏مقدم و همکاران، 1399).

در پژوهش وكيلي‏فرد و همكاران نيز، به روشي ميداني و با استفاده از پرسش‏نامه‏اي 45 گويه‏اي، نگرش فارسی‌‏آموزان درباره‏ي نقش متون ادبی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏‌زبان مورد بررسي قرار گرفته و اين نتيجه به دست آمده كه نگرش جمعيت نمونه نسبت به استفاده از متون ادبي در آموزش زبان فارسي مثبت و معنادار است (وکیلی‏فرد و همکاران، 1399).

**4- روش پژوهش**

روش اين پژوهش پيمايشي يا زمينه‏ياب است كه در سطح دانشگاه‏ها و مراكز آموزش زبان فارسي كشور به اجرا در آمده است. جمعیت نمونه‏ی پژوهش را تعداد 94 تن از مدرسان ایرانیِ با سابقه‏ی تدریس در حوزه‏ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏زبانان که با ادبیات فارسی نیز آشنایی دارند تشكيل داده‏اند كه اين تعداد به روش غیرتصادفی دسترس‏پذیر و هدفدار تعيين شده‏اند. 57.4 درصد مدرسان متخصّص زبان و ادبیات فارسی (با مدرک تحصیلی زبان و ادبیات فارسی در تمام مقاطع تحصیلی) هستند که سابقه‏ی تدریس زبان فارسی به غیرفارسی‎زبانان را نيز دارند و 42.6 درصد از اين جمعيت، مدرسان زبان فارسی دانش‏آموخته‏ی رشته‏ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏زبانان و سایر رشته‏ها همچون زبان‏شناسی، آموزش زبان‏ها و... هستند که سابقه‏ی تحصیل در رشته‏ي زبان و ادبیات فارسی را حداقل در یکی از مقاطع تحصیلی خود دارند. از مجموع 94 نفر جمعيت نمونه، از نظر سن بیشترین فراوانی با 48.9 درصد مربوط به بازه‏ی سنّی 30 الی 40 سال است. از نظر جنسیت، 49 نفر معادل 52.1 درصد زن، و 45 نفر معادل 47.9 درصد مرد هستند. از نظر مدرك تحصيلي، 53.2 درصد دارای مدرک دکتری، و 46.8 درصد داراي مدرك کارشناسی ارشد هستند. 82.3 درصد دارای سابقه‏ي آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏زبانان در مراکز آموزش زبان فارسی داخل کشور، 42.6 درصد دارای سابقه‏ي آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏زبانان در مراکز آموزش زبان فارسی خارج از کشور، و 46.8 درصد دارای سابقه‏ي آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏زبانان به صورت خصوصی‏اند. علاوه بر اين، در مجموع 81.9 درصد از جمعيت نمونه‏ي مدرسان پژوهش، از تجربه‏ي آموزش ادبیات فارسی به غيرفارسي‏زبانان نيز برخوردارند. ابزار اندازه‏گیری این پژوهش یک پرسش‏نامه‏ی محقق‏ساخته‏ است که با استفاده از طیف 5 گزینه‏ای لیکرت طراحی شده و برمبنای مقیاس توافق، ميزان موافقت يا مخالفت جمعيت نمونه را با سه شاخص پرسش‏نامه مورد سنجش قرار مي‏دهد. طرح نخستین این پرسش‏نامه برمبنای مطالعات ميداني به دست آمده است.

به‏منظور بررسی روایی پرسش‏نامه از دو روش روایی صوری (نظرات و اصلاحات خبرگان بر روی گويه‏هاي پرسش‏نامه) و روایی سازه (میزان اشتراکات اولیه‏ي هر گويه) استفاده شده است. بدين‏ترتيب، روایی صوری با نظرات خبرگان مورد تایید قرار گرفت، و روایی سازه‏ي پرسش‏نامه نیز با حداقل میزان اشتراکات اولیه‏ي (0.7) هر گويه محقق شد که در جدول شماره‏ي (1) قابل ملاحظه است. پس از آن، پرسش‏نامه‏ی نهایی به‏منظور پاسخ‏گویی، به صورت برخط در اختیار جمعیت نمونه‏ی تحقیق قرار گرفت.

**جدول شماره‏ي (1). ميزان اشتراكات اوليه‏ي شاخص‏های فوايد به‏كارگيري محتواي ادبي در آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **رديف** | **شاخص** | **اشتراكات اوليه** |
| 1 | معتقدم آموزش زبان فارسی از طریق محتوای ادبی فرایند یادگیری زبان فارسی را لذّت‏‏بخش‏‏تر می‏كند | 804/0 |
| 2 | معتقدم آموزش زبان فارسی از طریق محتوای ادبی به رشد زبانی فارسی‏آموزان کمک می‏کند | 810/0 |
| 3 | معتقدم آموزش زبان فارسی از طریق محتوای ادبی به آشنایی فارسی‏آموزان با فرهنگ ایرانی می‏انجامد | 705/0 |

به‏منظور بررسی پایایی پرسش‏نامه، ابتدا يك نمونه‏ي اوليه شامل 30 پرسش‏نامه‏ي تكميل شده توسط مدرسان در قالب پيش‏آزمون مورد بررسي قرار گرفت و سپس با استفاده از داده‏هاي به‏دست‏آمده از تحليل اين تعداد، میزان ضریب آلفای کرونباخ پرسش‏نامه به دست آمد. اين ميزان 846/0 بود که نشان‏دهنده‏ي پایایی قابل‏قبول پرسش‏نامه است.

**5- ارائه و تحليل داده‏ها**

جدول شماره‏ي (2) نحوه‏ي پاسخ‏گویی جمعيت نمونه‏ي پژوهش را به شاخص‏هاي فوايد به‏كارگيري محتواي ادبي در آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان نشان می‏دهد.

**جدول شماره‏ي (2): درصد فراوانی پاسخ‏دهی کیفی به شاخص‏های فوايد به‏كارگيري محتواي ادبي در آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **رديف** | **شاخص** | **نظرات جمعيت نمونه (درصد)** |
| **کاملاً مخالفم** | **مخالفم** | **نظری ندارم** | **موافقم** | **کاملاً موافقم** |
| 1 | معتقدم آموزش زبان فارسی از طریق محتوای ادبی فرایند یادگیری زبان فارسی را لذّت‏‏بخش‏‏تر می‏كند | 1/2 | 4/6 | 4/6 | 5/41 | 6/43 |
| 2 | معتقدم آموزش زبان فارسی از طریق محتوای ادبی به رشد زبانی فارسی‏آموزان کمک می‏کند | 1/2 | 7/11 | 3/5 | 2/53 | 7/27 |
| 3 | معتقدم آموزش زبان فارسی از طریق محتوای ادبی به آشنایی فارسی‏آموزان با فرهنگ ایرانی می‏انجامد | 1/1 | 1/1 | 2 | 6/42 | 2/53 |

همان‏گونه كه ملاحظه مي‏شود، در شاخص «معتقدم آموزش زبان فارسی از طریق محتوای ادبی فرایند یادگیری زبان فارسی را لذّت‏‏بخش‏‏تر می‏كند»، 6/43 درصد از جمعيت نمونه‏ي پژوهش گزينه‏ي «كاملاً موافقم»، 5/41 درصد گزينه‏ي «موافقم»، 4/6 درصد دو گزينه‏ي «نظري ندارم» و «مخالفم»، و 1/2 درصد گزينه‏ي «كاملاً مخالفم» را انتخاب كرده‏اند. انتخاب‏هاي جمعيت نمونه در گويه‏ي «معتقدم آموزش زبان فارسی از طریق محتوای ادبی به رشد زبانی فارسی‏آموزان کمک می‏کند» به ترتيب اولويت با 2/53 درصد به گزينه‏ي «موافقم»، 7/27 درصد به گزينه‏ي «كاملاً موافقم»، 7/11 درصد به گزينه‏ي «مخالفم»، 3/5 درصد به گزينه‏ي «نظري ندارم»، و 1/2 درصد به گزينه‏ي «كاملاً مخالفم» رقم خورده است، و در شاخص «معتقدم آموزش زبان فارسی از طریق محتوای ادبی به آشنایی فارسی‏آموزان با فرهنگ ایرانی می‏انجامد»، 2/53 درصد از جمعيت نمونه‏ي پژوهش گزينه‏ي «كاملاً موافقم»، 6/42 درصد گزينه‏ي «موافقم»، 2 درصد گزينه‏ي «نظري ندارم»، و 1/1 درصد دو گزينه‏ي «مخالفم» و «كاملاً مخالفم» را انتخاب كرده‏اند.

**6- نتيجه‏گيري**

بهره‏گیری از متون ادبی در آموزش زبان‏ها موضوعی است که از نخستین روش‏ها و رویکردهای آموزش زبان مورد توجه دست‏اندرکاران این حوزه بوده، به گونه‏ای که به یکی از موضوعات پرکاربرد پژوهشی حیطه‏ی آموزش زبان و ادبیات تبدیل شده و پژوهشگران در زبان‏های مختلف ابعاد گوناگون این موضوع را مورد بررسی قرار داده‏اند. در همین راستا پژوهش پیشِ رو نیز به روش پیمایشی، با نظرسنجی از مدرسان ایرانی باتجربه‏ی آموزش زبان و ادبیات فارسی و با هدف بررسی سه مزیت استفاده از ادبیات در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏زبانان صورت گرفت تا ديدگاه مدرسان باتجربه‏ي حوزه‏ي آموزش زبان و ادبيات فارسي به غيرفارسي‏زبانان را در مورد لذت‏بخشي فرايند يادگيري زبان فارسي از طريق محتواي ادبي، تاثير آموزش زبان فارسي از طريق محتواي ادبي بر رشد زباني فارسي‏آموزان، و تاثير آموزش زبان فارسي از طريق محتواي ادبي بر آشنايي فارسي‏آموزان با فرهنگ ايراني ارزیابی کند. در همین راستا پرسش‏نامه‏ای محقق‏ساخته‏ با استفاده از طیف 5 گزینه‏ای لیکرت و برمبنای مقیاس توافق طراحی شد. طرح نخستین این پرسش‏نامه برمبنای مطالعات ميداني به دست آمده بود و به‏منظور بررسی روایی آن از دو روش روايي صوري و روایی سازه استفاده شد. سپس پرسش‏نامه به صورت برخط در اختیار جمعیت نمونه‏ی پژوهش قرار گرفت. جمعیت نمونه که به صورت غیرتصادفی دسترس‏پذیر و هدفدار انتخاب شده‏اند، شامل 94 تن از مدرسان ایرانیِ با سابقه‏ی تدریس در حوزه‏ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏زبانانند که با ادبیات فارسی نیز آشنایی دارند. به منظور بررسی پایایی پرسش‏نامه، ابتدا يك نمونه‏ي اوليه شامل 30 پرسش‏نامه‏ي تكميل شده توسط مدرسان در قالب پيش‏آزمون مورد بررسي قرار گرفت و سپس با استفاده از داده‏هاي به‏دست‏آمده از تحليل اين تعداد، میزان ضریب آلفای کرونباخ پرسش‏نامه‏ها به دست آمد که نشان‏دهنده‏ي پایایی قابل‏قبول پرسش‏نامه بود. نتایج حاصل از تحلیل داده‏ها در ارتباط با پرسش‏های پژوهش به شرح ذیل است:

1- در پاسخ به پرسش نخست پژوهش درباره‏ی ديدگاه مدرسان باتجربه‏ي حوزه‏ي آموزش زبان و ادبيات فارسي به غيرفارسي‏زبانان در مورد لذت‏بخشي فرايند يادگيري زبان فارسي از طريق محتواي ادبي، 6/43 درصد از جمعيت نمونه‏ي پژوهش گزينه‏ي «كاملاً موافقم»، و 5/41 درصد گزينه‏ي «موافقم» (مجموعاً 1/85 درصد) را انتخاب کرده‏اند. بنابراین می‏توان اظهار کرد جمعیت نمونه معتقدند به‏کارگیری محتوای ادبی در آموزش زبان فارسی، فرایند یادگیری زبان را برای فارسی‏آموزان لذت‏بخش‏تر می‏کند.

2- در پاسخ به دومین پرسش پژوهش درباره‏ی ديدگاه مدرسان باتجربه‏ي حوزه‏ي آموزش زبان و ادبيات فارسي به غيرفارسي‏زبانان در مورد تاثير آموزش زبان فارسي از طريق محتواي ادبي بر رشد زباني فارسي‏آموزان، پاسخ مدرسان به ترتيب اولويت با 2/53 درصد گزينه‏ي «موافقم» و 7/27 درصد گزينه‏ي «كاملاً موافقم» (مجموعاً 9/80 درصد) حاکی از باور آنان به رشد زبانی فارسی‏آموزان در سایه‏ی به‏کارگیری متون ادبی در آموزش زبان فارسی است.

3- در پاسخ به پرسش سوم پژوهش درباره‏ی ديدگاه مدرسان باتجربه‏ي حوزه‏ي آموزش زبان و ادبيات فارسي به غيرفارسي‏زبانان در مورد تاثير آموزش زبان فارسي از طريق محتواي ادبي بر آشنايي فارسي‏آموزان با فرهنگ ايراني، 2/53 درصد از جمعيت نمونه‏ي پژوهش گزينه‏ي «كاملاً موافقم»، و 6/42 درصد گزينه‏ي «موافقم» (مجموعاً 8/95 درصد) را انتخاب کرده‏اند که این درصد از موافقت، نشان‏دهنده‏ی باور جمعیت نمونه به کارآمدی ادبیات در آشنایی فارسی‏‏آموزان با فرهنگ ایرانی در فرایند آموزش فارسی به غیرفارسی‏زبانان است.

بعلاوه، نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر با بيشتر گزاره‏ها و نتايج ساير پژوهش‏هاي اين حوزه همسو است و بر اين مبنا مي‏توان متناسب با سطح زباني فارسي‏آموزان، از متون ادبي برخوردار از درجاتي از عنصر ادبيت، متون ادبي مشتمل بر واژگان و ساختارهاي دستوري همسو با برنامه‏ي درسي آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان، و متون ادبي دربردارنده‏ي جنبه‏هاي فرهنگي ايران بهره جست.

**منابع**

آذری نجف‎آباد، ا. (1362). «روابط زبان و ادبیات». *دانشگاه انقلاب،* (24): 46-48.

پورالخاص، ش. خداداديان، م. و نصيري، س. (1398). آموزش واژه به فارسی‏آموزان عرب‏زبان از طریق متون منظوم در مقایسه با متون منثور. *زبان فارسي و گويش‏هاي ايراني.* س 4، ش1 (7): 63-83.

**حق‏شناس، ع.** (1370). *مقالات ادبی، زبانشناختی.* تهران: نیلوفر.

شاهرخی شهرکی، م. (1397). «تحلیلی بر استفاده از ادبیات به عنوان محتوای آموزشی در آزفا». در *چکیده مقالات دومین همایش ملی آزفا استانداردسازی مواد آموزشی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏زبانان به کوشش رضامراد صحرایی و مهین‏ناز میردهقان.* نشر خاموش: 38 و 39.

**عشقوی، م**. (1390). «بهره‌گیری از ادبیات در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان». مجموعه مقالات هفتمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی به كوشش عباسعلي وفايي. تهران: انتشارات شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی: 345-362.

غضنفری‏مقدم، ص. یاحقی، م. پیش‏قدم، ر. و ابراهیمی، ش. (1399). «[بررسی تأثیر مؤلفه‌های آهنگین متون ادبی در آموزش زبان فارسی؛ مطالعه‏ی‏ موردی شاهنامه‏ی فردوسی](https://jtpsol.journals.ikiu.ac.ir/article_2277_e9ba24d9a0b65e61937b6472c9b605ff.pdf%22%20%5Ct%20%22_blank)». *پژوهش‏نامه‏ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‏زبانان.* ش 1 (19): 177-199.

فرجامي، ه. (1395). «ادبيات كودك در برنامه‏ي درسي زبان و ادبيات انگليسي دانشگاه‏هاي ايران». *پژوهش و نگارش كتب دانشگاهي.* ش 39: 64-81.

فرخنده‏كلات، ع. نظري خباز، م. و حيدريان، م. (1393). «تاثير و چگونگي استفاده از ادبيات كودكان براي آموزش زبان فارسي به كودكان غيرفارسي‏زبان». در *مجموعه مقالات نخستين همايش آموزش زبان فارسي.* تهران: دانشگاه تربيت مدرس: 485-495.

لازار، گ. (1380). *ادبیات و آموزش زبان*. ترجمه‏ی محمد غضنفری. تهران: سمت.

ميردهقان، م. و طاهرلو، ف. (1390). «تاثير فرهنگ ايراني در آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان». *ادبيات پارسي معاصر،* 1(2): 115-131.

وكيلي‏فرد، ا. ميرزايي حصاريان، م. و راد، م. (1399). «نگرش فارسي‏آموزان درباره‏ي نقش متون ادبي در آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‏زبانان». *زبان‏شناسي اجتماعي،* ش 3 (11): 11-24.

Abukhattala, I. (2014). Literature in Foreign Language Education Programs: A New Perspective. *Advances in Language and Literary Studies,* 5(6), 216–227.

Amer, A. (2012). “Using Literature in Reading English as Second/Foreign Language”. (Unpublished doctoral dissertation). Egypt: Tanta University.

Chalikendy, M. A. (2015). “Literature: A Natural Source For Teaching English in ESL/EFL Classrooms”. *International Journal of Applied Linguistics and English Literature,* (6): 224-234.

Daskalovska, N. & Dimova, V. (2012). “Why Should Literature be Used in The Language Classroom”. *Procedia: Social and Behavioral Sciences,* 46: 1182-1186.

Dimitrova-Gjuzeleva, S. (2015). “Getting Students Lit Up: Teaching English Through Literature”. *Yearbook of Department of English Studies of New Bulgarian University.* by Stan Bogdanov.

Keshavarz, A. (2012). “Use of Literature in teaching English”. *Procedia-Social and Behavioural Sciences,* 46: 554-559.

Khatib, M. Rezaei, R. & Derakhshan, A. (2011). “Literature in The EFL/ESL Classroom”. *English Language Teaching,* 4(1): 201-208.

McKay. S. (1982). “Literature in the ESL Classroom”. *TESOL Quarterly,* 16 (4): 529-536.

O'Sullivan, R. (1991). “Literature in the Language Classroom in MELTA”. *The English Teacher,* 20.

Shamsur Rabb Khan, M. & Alasmari, A. M. (2018). “Literary Texts in the EFL Classrooms: Applications, Benefits and Approaches”. *International Journal of Applied Linguistics & English Literature,* 7 (5): 167-178.

Tasneen, W. (2010). “Literary texts in the language classroom: A study of teachers’ and students’ views at international schools in Bangkok”. *Asian EFL Journal,* 12(4): 173-187.

Ur, P. (1996). [*A Course in English Language Teaching*](http://library.ikiu.ac.ir/faces/search/bibliographic/biblioFullView.jspx?_afPfm=5tya0dopv)*.* Cambridge: CUP.

1. . استاديار آموزش زبان فارسي، دانشگاه بين‏المللي امام خميني، قزوين، ايران. **khodadadian@plc.ikiu.ac.ir** [↑](#footnote-ref-1)
2. . literariness [↑](#footnote-ref-2)
3. . foregrounding [↑](#footnote-ref-3)
4. . enjoyable resource [↑](#footnote-ref-4)
5. . information based [↑](#footnote-ref-5)
6. . linguistic reason [↑](#footnote-ref-6)
7. . methodological reason [↑](#footnote-ref-7)
8. . motivational reason [↑](#footnote-ref-8)
9. . linguistic knowledge [↑](#footnote-ref-9)
10. . language skills [↑](#footnote-ref-10)
11. . verbal art [↑](#footnote-ref-11)
12. . consciously [↑](#footnote-ref-12)
13. . subconsciously [↑](#footnote-ref-13)
14. . socio- cultural [↑](#footnote-ref-14)
15. . critical thinking skills [↑](#footnote-ref-15)
16. . perspective [↑](#footnote-ref-16)
17. . rich and authentic contexts [↑](#footnote-ref-17)
18. . ethnocentrism [↑](#footnote-ref-18)
19. . intercultural competence [↑](#footnote-ref-19)
20. . sociolinguistic [↑](#footnote-ref-20)